

پرسش‌هایی

انتظار مدرن

از دوری تو غمین و نالون هستیم وز کرده خودکسی پشیمون هستیم اصلیت
مارا تو اگر می پرسی از کوفه ولی مقیم تیشوون هستیم!
ما لشگری از سلاح روسی داریم دردوز و کلک رگ و نووسی داریم
هر جمده که شد بیا که ما منتظریم این هفته فقط نیا عروسی داریم
از جور زمانه ماشکایت داریم اندازه کوه و صخره حاجت داریم
ما مشکلمان گرانی و بیکاری سرت آقا به نبودن که عادت داریم...
ماقیمت روز ارز را می دانیم معیار بهای بورس در تهرانیم
فعلا ۳,۲ روزیست هوا پس شده است هر روز دعای عهد را می خوانیم
صد موظه کن ولی زتسیم نگو از خمس و زکات و ضرب و تقسیم نگو
آقاتوبیاولی فقط بایک شرط...
از آنچه که ما دوست نداریم نگو!

مرح نه..... این کلمه غریب

مرسی
خرما گرفته بود دستش، به تک تک بچه ها تعارف می کرد. خسته نباشد.
می گفت.
خرما تعارف کرد. گفتم «مرسی»
گفت «چی گفتی؟»
- گفتم مرسی.
ظرف خرما را داد دست یکی دیگر. گفت «بخیز»
هفت - هشت متر سینه خیز برد.
گفت «آخرین دفعه ات باشه که این کلمه رو میگی، این کلمه غریب...»

سؤال آیا ۳۱۳ نفریاران امام همه هم عصر زمان
ظهور هستند؟

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در زمان ظهور
زنگی می کنند. در برخی روایات آمده است که اینان شب در بستر خود
ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه «این ما تکونوا یأت بكم
الله جمیعا» درباره این گروه است از روایات به خوبی می توان استفاده

کرد که تعدادی از یاران، هم عصر زمان ظهورند.

البته از برخی روایات، استفاده می شود که برخی از بزرگان روزگار
گذشته، بر اساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و در رکاب حضرت
و از یاران آن بزرگوار می شوند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده
است: خروج می کنند با قائم (ع) از پشت کوفه یاکعبه - ۲۷ مرد که
عيارند از پانزده نفر از قوم حضرت موسی (ع) و هفت نفر از اصحاب
کهف، و پوش بن نون وسلمان وابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر؛
پس در نزد آن حضرت، از یاران و والیان هستند.

بنابراین، یاران قائم (ع) هم از افرادی هستند که هم عصر زمان ظهورند
و هم از افرادی اند که پیش از زمان ظهور، زنگی کرده اند و از دنیا
رفته اند.

منبع: مرکز تخصصی مهدویت، آثار مهر

لهم حمد

پاداش نماز اول وقت

جاده های کردستان آن قدر نا امن بود که وقتی می خواستی از شهری به
شهر دیگر بروی، مخصوصا توی تاریکی، باید گاز ماشین را می گرفتی،
پشت سرت را هم نگاه نمی کردی. اما مهدی زین الدین که همراهت بود،
موقع اذان، باید می ایستادی کتار جاده تا نمازش را بخواند. اصلاً راه
نداشت. بعد از شهادتش، یکی از بچه ها خوابش را دیده بود؛ توی مکه
داشته زیارت می کرده. یک عده هم همراهش بوده اند. گفته بود «تو این
جا چی کار می کنی؟» جواب داده بوده «به خاطر نمازهای اول وقت، این
جا هم فرمانده ام.»

منتظر القائم

نیمه شعبان سال ۱۳۶۹ بود.

گفیم امروز به یاد امام زمان (ع) به دنبال عملیات تفحص می رویم اما فایده نداشت.

خیلی جست وجو کردیم پیش خود گفیم یا امام زمان (ع) یعنی می شود بی نتیجه برگردیم؟

در همین حین ۴ یا ۵ شاخه گل شقایق را دیدیم که برخلاف شقایق ها، که تک می رویند، آنها دسته ای روییده بودند.
گفیم حالا که دستمان خالی است شقایق ها را می چینیم و برای بچه ها می بریم. شقایق ها را کنديم. دیدیم روی پیشانی یک
شهید روئیده اند.

او نخستین شهیدی بود که در تفحص پیدا کردیم، «شهید مهدی منتظر قائم»

جلوه مولا

دانم ای
جان که
ز
بیماری
ما
آگاهی!



امام مهریان تمام عالم

رفتم که بتوانم در ایران دینم را تکمیل کنم و یک مسلمان شیعه باشم. موقع برگشتن به هتل با مردمی برخورد کردم، او از گذشته من و این که دلم می‌جوشد، سخن گفت. تعجب کردم. پرسیدم: شما از کجا می‌دانید؟ آن مرد داستان زندگی مرا از دوران پچگی تا آن روز، یک به یک باز گو کرد. حرف‌های آن مرد مرا شگفت‌زده کرده بود. او حتی به من گفت که "تو در کودکی، به دور از چشم خانواده، همیشه به آسمان نگاه می‌کردی و می‌گفتی: "ای کسی که سلطان آسمان‌ها هستی! می‌خواهم با تو آشنا شوم!" این مطلب را هیچ کس نمی‌دانست. او سرنوشت‌رم را ساخت، ولی روشن تصویر کرد. بعد هم گفت: "من برای هدایت مردم آمده ام تا گناه نکنند" گفتم: "شما چه کار بزرگی دارید! لطفاً آدرس به من بدهید که با شما تماس بگیرم" او گفت: "آدرس ندارم" گفتم: "می‌خواهم شما را باز هم بینم!" گفت: "نمی‌توانی اما من به یاریت می‌ایم". گفتم: "در راه ایران چه اتفاقی می‌افتد؟" گفت: "مشکل بزرگی ایجاد می‌شود، ولی تحمل داشته باش! از مشکلات نترس! این مسایل برای تو روشنایی می‌آورد."

وقتی برای اولین بار در ایران درباره امام زمان (ع) و اوصاف و علامیم ظاهری آن حضرت شنیدم، دریافتمن مشخصات امام زمان (ع) دقیقاً همانند مشخصات آن مردی است که در پکن دیده ام.

اینکه به یقین فهمیده ام آن مرد بزرگواری که راه را برای مسلمان شدنم هموار کرددند، امام زمانم بوده است. امیدوارم که بار دیگر با ایشان ملاقات داشته باشم.

"یولی" دختر جوان شیانگی، از چین به ایران آمده و به مذهب تشیع مشرف گردیده است. او نام نخستین زن شهید اسلام «سمیه» را برای خود برگزیده است.

برگرفته از مصاحبه مجله زن روز با یولی (اصل مصاحبه از قسمت امور فرهنگی مسجد جمکران به دستمان رسید) و کتاب تلاشگر پنهان

دوست جوان مسیحی اش از «یولی» می‌خواهد که برای اجرای مراسمی به کلیسا برود. یولی موافقت می‌کند، اما در شب موعود، تاکسی به اشتباه او را به جای کلیسا در مقابل یک مسجد پیاده می‌کند. یولی را سیل جمعیت رهبری می‌کند و در حین حرکت برای نخستین بار "سلام علیکم" را می‌آموزد. ابتدا کمی متعجب است، ولی به سرعت حیرت جایش را با احساس قشنگی عوض می‌کند؛ به حدی که یولی همراه با زنان پوشیده شده در لباس سفید، حركات آنها را تقلید می‌کند. خودش می‌گوید: (نمی‌دانستم نماز می‌خوانم ولی از کارهای که انجام می‌دادم، لذت می‌بردم و احساس شادی عجیب پیدا کرده بودم). یولی تحت تاثیر معنویت مسجد قرار می‌گیرد. از آن شب رغبتی به رفتن کلیسا و اجرای مراسم ندارد هرگاه دلس می‌گیرد، مانند زنان مسلمان سفید پوش ملحقة ای بر سر می‌کشد و همان کارها را تکرار می‌کند و عجیب این که آرامش بر وجودش مستولی می‌شود. یک سال چنین می‌گذرد، دوست مسیحی اش با اینکه از او دلگیر شده است، ولی خواهش می‌کند که با هم به سفری بروند. یولی می‌پذیرد. شب میان راه در منزل خانومی بیوته می‌کنند. یولی بر تاقچه آن خانوم کتابی را به زبان چینی می‌یابد. شب را تا صبح با این کتاب می‌گذراند و انس با آن وادرش می‌کند که کتاب را از صاحب خانه طلب کند. کتاب را بر می‌دارد و چون جان شیرین در بغل می‌گیرد. صاحب خانه به او می‌گوید که این کتاب ((قرآن و قانون دین اسلام)) است؛ و آنچه از خدا و اصول اسلام می‌داند برای یولی باز می‌گوید.

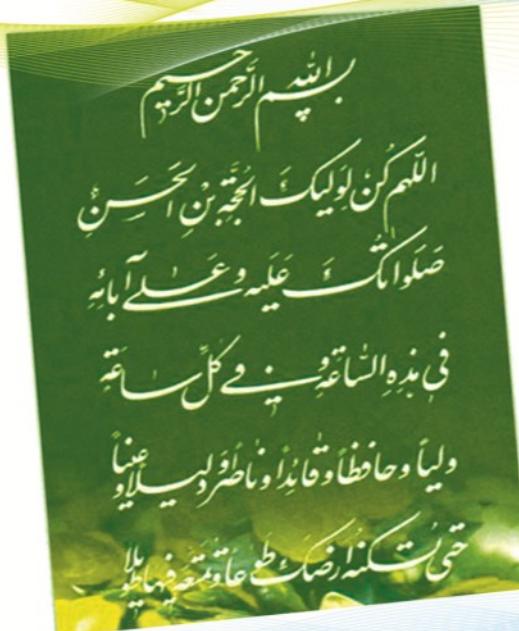
می‌گوید: از فردای آن روز که مجبور شدم دین پنهان شده ام را آشکار کنم مورد تمسخر استادان قرار گرفتم و دیگر آن احترامی را که ناشی از استعداد و اخلاقم بود، در بین اساتید و دانشجویان نداشتم. از متلک‌ها و انتقادهای آنان هراسی به دل راه ندادم به مسجد رفتم و گفتم: ((بنویسید که من مسلمانم و می‌خواهم شناسنامه داشته باشم.)) دوست داشتم در باره اسلام بیشتر بدانم و اطلاعاتم را عمیق تر کنم.

سر انجام به سفارت ایران رفتم، چون همان خانومی که قرآن را به من داده بود گفته بود: ((برای مسلمان شدن به سفارت ایران برو!!)). کتاب انقلاب نور را خوانده بودم و رهبر ایران، امام خمینی را می‌شناختم. با این هدف به سفارت

روش نزدیک شدن به امام

آیت الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی می فرمایند: شیخ در عالم رویا امام زمان (عج) را دیدم. به ایشان عرض کردم : چه کنم تا به شما نزدیک شوم؟ به زبان فارسی فرمودند: ((عملت را عمل امام زمان قرار بده.)) من گفتم کردم منظور حضرت این است که در مردم هر کاری بین اگر امام زمان (عج) این کار را می کند تو هم انجام بده. عرض کردم : این ارزشی من است، چه کنم که در این امر موفق باشم؟ فرمودند: ((الاخلاص فی العمل، در کارهای خود اخلاص داشته باش.)).

رازهای جمعه موعود، ص ۱۰۹



زمینه ای عقاید

وضعیت ازدواج اور زانس است!

اولین مرحله برای فراهم شدن زمینه‌ی یک ازدواج آسان و با موقوفیت، تبیین موضوع و جو布 ازدواج برای جوانان است. در شرایط کوتني جامعه و با توجه به توسعه ارتباطات و تهاجم فرهنگی رسانه‌ها، می‌توان امر ازدواج را از اهم واجبات به شمار آورد؛ زیرا متأسفانه لغزشگاه‌های فراوانی بر سر راه جوانان کشور مان ایجاد گردیده است به طوری که در این شرایط واقعاً «در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است». بر این اساس اگر جوانی احساس کند تر غرایز جنسی خود نیست، به طور طبیعی و طبق فتوای فقهاء امر ازدواج بر او واجب است و این جوان راهی جز مبادرت به ازدواج ندارد. به عبارت دیگر، فرضتی برای تصمیم‌گیری در این زمینه نیست که بگوید من باید فکر کنم که آیا خوب است ازدواج کنم یا نه؟

با این مقدمه می‌توان گفت برای طیف وسیعی از جوانان، ازدواج حکم واجب را دارد. البته نباید به گناه و خطأ افتادن را صرفاً در مسائل جنسی و گناهان کبیره دانست؛ زیرا تأثیرمنفی مجرد ماندن جوانان و غلبان شهوت در وجود ایشان، موجب می‌شود با حالات ناشی از این مسئله در زمینه‌های دیگر زندگی و امور واجب ایجاد گردد. خلل ایجاد شود. مثلًا جوش غریزه‌ی جنسی، توفیق کسب علم و یا عبادتی با حضور قلب را به او نمی‌دهد و گاه در پی سرخوردگی‌ها و بیم به گناه افتادن، از روابط اجتماعی خود می‌کاهد و رفته رفته تأثیرات روانی این رفتار، موجب عصی شدن و تندخوبی او می‌گردد. از تأثیرات جانی ناشی از این مسئله می‌توان بی میلی به کار و فعالیت، به درس و مطالعه و بی میلی به معاشرت و مصاحبت با همسالان، اقوام و دوستان نام برد. هر چند موارد یاد شده از گناهان به شمار نمی‌آید، اما این تأثیراتی‌ها مقدمات گناهانی را در انسان بوجود می‌آورند.

باشد خاطرنشان شد که سوابق دینی، مذهبی، تقویتی و اسلامی مقاومت در برآور آن را در خود نمی‌بینند چنان که در قرآن به این نکته صریحاً اشاره شده است. هنگامی که زلیخا در آن محل فزانه به ملامتگران خویش اعلام می‌کند من آخر یوسف را وادر به این گاه می‌کنم؛ حضرت یوسف در پاسخ به او نمی‌گوید تو تو انایی چنین کاری را نداری زیرا من معصوم هستم، بلکه می‌فرماید: پروردگار!!... اگر مکر و نیزیگ آن هارا از من بازنگردانی، به سوی آنان متهم خواهم شد و از جاهلان خواهم بود (۳۳ یوسف)؛ همچنین نقل کرده‌اند از مقدس اربیلی پرسیدند: اگر درخانه‌ای بین شما و خانمی خلوتی ایجاد شد، چه می‌کنید؟ مقدس اربیلی گفت: من به خدا پناه می‌برم که چنین امتحانی را به سرم نیاورم.

انسان در شرایط کوتني به طریق اولی نمی‌تواند به گذشته خویش اطمینان و تکیه داشته باشد و با خود بگوید با وجود این ماهواره‌ها، وسائل ارتباط جمعی، تلفن‌های تصویری و... من دچار لغزش نمی‌شوم!

کلام حضرت یوسف که فرمود: من نفس خود را از بدی تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس آدمی بسیار به بدی فرمان می‌دهد (۵۲ یوسف) هشداری تکان دهنده برای همه جوانان عزیز است.

خلاصه مطلب این که ازدواج امری فوری و فوتی است و هر لحظه تأخیر در آن موجب خسaran است؛ جوانان عزیز باید این امر مقدس را در وقت خودش و در اوج شور و نشاط جوانی انجام دهند و اینکه با احساس وجوب ازدواج دیگر منع در اصل قضیه نداشته باشند و به ازدواج جداً فکر کنند و زودتر آستین‌ها را بالا بینند.

برگرفته از: مطلع مهر، امیر حسین بانکی پور فرد

از دل تنگت بگو

بی صبانه و مشتاقانه منتظر پیامک‌ها و نظراتتون هستیم.

Ba salam.heyfe k derange rustahaye mojaver estefade nakonan zahmat be keshid rustahaye atrafam tozi kinid - ۰۹۱۲...۹۸

بن: اگر دوستان برای پخش نشریه و هزینه چاپ پارسیتند، مجبین آمادگی همکاری دارند.

بن: سلام محبین اهل بیت، مسنون که ب مقوله حسادت پرداختن. ولی خیلی کوتاه و سطحی بیان کردن و آنطور که باید زشتی این رذیله اخلاقی رو نشون ندادین. این مباحثت باید بطور جامعتی

مطرح بشد، ب سادگی ازش رد نشین چون از نیازای میرم جامعه امروزه، با آرزوی توفیقات روز افزون

بن: ما هم دوست داریم تا کامل تر به مباحثت اخلاقی پردازیم؛ اما فضای نشریه محدود است.

website derang: www.derang313.blog.ir E-mail.derang313@gmail.com پیامک ۰۹۱۲۴۷۸۰۳